

نفوذ فرهنگی و جایگاه آن در قرآن و عهدین

(تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۵)

دکتر جمال فرزندوحی^{*}، ماندانا مهدی زاده^{**}، مریم مبارکی^{***}

چکیده

جریان نفوذ جریانی نرم و آرام است که در قالب جنگ نرم برای رسیدن به اهداف سلطه و تغییر حکومت و فلسفه و سبک زندگی، در همه عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون اجتماعی وارد شده و با استفاده از همه سازوکارها، فعالیت می‌کند. مطالعه نفوذ و شناخت روش‌های آن برای تشخیص نقشه دشمن لازم و ضروری است. نفوذ فرهنگی از روش‌هایی است که دشمنان همواره در طول تاریخ، به انحاء مختلف در پیش گرفته‌اند تا از طریق آن از پیشبرد اهداف اسلام از یکسو و اهداف سایر ادیان از جمله یهود و مسیحیت از سوی دیگر جلوگیری کنند. نفوذ فرهنگی لایه‌های متفاوتی دارد و مهم‌ترین نقطه رخنه در نفوذ فرهنگی، رخنه در باورهای دینی جامعه است. با بررسی تاریخ ادیان اسلام، یهود و مسیحیت، به این نتیجه می‌رسیم که آنان که مورد هدف و نفوذ فرهنگی قرار گرفتند، افراد سست‌ایمان و بی‌بصیرت بودند و از همین نقطه مورد تهاجم قرار گرفتند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بیان نفوذ فرهنگی و روش‌های آن در قرآن و عهدین می‌پردازد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، عهد عتیق، عهد جدید، نفوذ فرهنگی.

مقدمه

آنچه که به عنوان جریان نفوذ می‌توان از آن نام برد، محدود به یک حوزه و فرد نمی‌شود و علاوه بر گستردگی، دارای اهمیت بسیاری است. نفوذ، به دو شکل مثبت و منفی قابل بحث است. جریان نفوذ در کتب آسمانی با شیطان آغاز می‌شود. روش شیطان به عنوان ابتدایی‌ترین شکل نفوذ، که در جنت آدم اتفاق افتاد، شروع این

*. استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه؛ farzandwahy@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم و معارف قرآن کریم؛ m.mahdyzadeh@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم و معارف قرآن کریم؛ maryammobaraki200@gmail.com

حرکت را کلید زد. آنجا که شیطان با هدف تغییر رویکرد فرمانبرداری آدم، موضوع خلد جاوید و ملک شدن آدم و همسرش را با شیوه وسوسه و با هدف ایجاد شبهه در وهله اول و هدف هبوط آدم از موقعیتش نزد خدای متعال در مرحله دوم صورت داد. وجود پیامبران همان نفوذ مثبت است که با استفاده از ابزار عقلانیت، مردم را به سوی حق و حقانیت سوق می‌دادند و در اثر دارا بودن اخلاق الهی توأم با عقلانیت، محبوب دل‌های آماده و پیروانشان قرار می‌گرفتند و به قدری در مردم تأثیر می‌گذاشتند که آن‌ها رفتار و گفتارشان را بر شیوه و روش انبیاء تنظیم می‌کردند. در این مجال به جریان نفوذ منفی در قرآن و عهدین می‌پردازیم و نفوذ فرهنگی در این دو را بررسی می‌کنیم.

بحث و بررسی

۱- مفهوم‌شناسی نفوذ

نفوذ^۱ که در لغت به معنای اثر کردن در چیزی (معین، ۱۳۷۱: ۲، ۱۹۶۱) تأثیر گذاشتن بر کسی و راه یافتن پنهانی در گروه یا جایی (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳۰، ۲۹۳۸) آمده است، کنش یا قدرتی است که بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم، فرمان تولید می‌کند. اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم سبب تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شود. (الوانی، بی‌تا: ۱۴۲) همچنین نفوذ در معانی زیر نیز آمده است: «داخل شدن و ورود (النفاذ و الانفاذ یقال: سلک الطريق ای نفذ فیهِ و سلک الخیط فی الابره؛ نخ در سوزن داخل شد.» (الوانی، بی‌تا: ۱۴۲) و همین‌طور گفته‌اند: «نفذ أصلٌ صحیح یدلُّ علی مضاء فی أمر و غیره و نفذ السهم الرمیة نفاذاً و أنفذته أنا و هو نافذٌ ماضٍ فی أمره؛ گذشتن چیزی از چیزی هرگاه از او خلاص شود؛ مثل تیر که پس از انداختن و پرتاب کردن آن می‌گذرد.»^۲ (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۵، ۴۵۸) «خارج شدن امری از امر دیگر، مانند اینکه تیری از کمانی خارج شود؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ (الرحمن/۳۳) یعنی برای گریختن و فرار کردن از مرگ بیرون روید.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴) علامه طباطبایی این نفوذ را با توجه به سیاق مربوط به زمان آخرت و قیامت گرفته و گفته است: مراد از استطاعت، قدرت است و مراد از نفوذ از اقطار، فرار از کرانه‌های محشر است؛ زیرا کلمه اقطار جمع قطر به معنای ناحیه است

1. influence

۲. برای مطالعه بیشتر رک: فراهیدی، بی‌تا: ۸، ۱۸۹.

و معنای آیه این است که ای گروه جن و انس، اگر توانستید از حساب و کتاب قیامت بگریزید، این شما و این نواحی آسمان‌ها و زمین. ولی به هر طرف بگریزید، بالاخره به ملک خدا گریخته‌اید و شما نمی‌توانید از ملک خدا درآیید و از مؤاخذه‌های او رها شوید. گفتنی است اینکه خداوند جن را در آیه جلوتر از انس آورده، برای این است که طایفه جن در حرکات سریع و تواناتر از انسان است. اینکه فرمود: ﴿لَا تَتَّقُونَ إِلَّا بَسُلْطَانَ﴾ (الرحمن/۳۳)؛ یعنی قادر بر نفوذ نخواهید بود؛ مگر با نوعی سلطه که شما فاقد آن هستید و منظور از سلطان، قدرت وجودی است. البته در قرآن سلطان به معنای برهان یا مطلق حجت و نیز به معنای ملک نیز آمده است.

۲- عهدین

کتاب مقدس در معنای کلی به دو بخش عهد عتیق و عهد جدید تقسیم می‌شود که شامل ۶۶ کتاب است. عهد عتیق از ۳۹ کتاب و عهد جدید از ۲۷ کتاب تشکیل شده است. هر بخش از عهد عتیق را یک سیفر و برخی دیگر از کتب، عهد عتیق را صحیفه می‌نامند. عهد جدید نیز چهار انجیل (متی، مرقس، لوقا، یوحنا)، رسالات حواریون مسیح و کتاب مکاشفه را تشکیل می‌دهد. یهودیان تنها عهد عتیق را به عنوان کتاب آسمانی قبول دارند، اما بیشتر مسیحیان عهد عتیق را به عنوان کتاب مقدس قبول ندارند و آن را تحریف شده می‌دانند. (ر. ک: صادق‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۱-۶۰)

۳- انواع نفوذ

نفوذ انواعی چون نفوذ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... دارد. نفوذ اقتصادی به معنای تسلط بر ارکان اقتصادی یک جامعه است؛ به طوری که مدیریت اقتصاد از جانب عنصر مسلط بر اقتصاد جامعه مقصد تحمیل شده و مدیریت این امور به دست جامعه نفوذکننده باشد. (پایگاه خبری تحلیلی برهان، بی‌تا: کد خبر ۸۹۹۹) نفوذ در عرصه سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر در گذشته نظامیان با نفوذ در خطوط مقدم دشمن و رخنه در دیوار دفاعی، بر آن بودند تا از درون کنش‌هایی را موجب شوند که موجب فروپاشی یک دیوار دفاعی از انسان و ابزارهای دفاعی بود، امروز بیشترین کارکرد نفوذ در عرصه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است تا افکار و عقاید و عواطف و احساسات ملتی را تغییر دهند و از درون استقامت و مقاومت ملت و امتی را خرد کرده و از هم بیاشند. در فرهنگ سیاسی نفوذ شکلی از قدرت است، اما از اصطلاح قدرت به سبب شیوه‌های اجرایی چون پرهیز از کنترل، اجبار، زور و مداخله متمایز است. نفوذ را

می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست خود آن‌ها نیست، عمل کنند. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی‌اند که فرد به کمک آن‌ها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۱۴)

۳-۱. نفوذ فرهنگی

نفوذ فرهنگی در مرحله اول به معنی تغییر در ارزش‌ها، باورها و هنجارهای جامعه است و در مرحله دوم، ناکارآمدسازی نظام مورد توجه دشمن قرار می‌گیرد. رهبر حکیم انقلاب در این باره می‌فرماید: «با نفوذ و تسخیر در عرصه فرهنگ به مثابه زیربنای ساختار جامعه، دیگر تغییرات و دگرگونی‌ها در حوزه‌هایی چون سیاست و اقتصاد به آسانی صورت خواهد گرفت. در این حوزه دشمن سعی می‌کند باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد، جابجا کند، خدشه در آن‌ها وارد کند، اختلال و رخنه در آن‌ها بوجود آورد.» (ر. ک: بیانات مقام معظم رهبری، فروردین تا آذر ۱۳۹۴ با دخل و تصرف)

۴- نفوذ فرهنگی از منظر قرآن

نقش و کارکرد نفوذی‌های فرهنگی را می‌توان از آیه ﴿سَمَاعُونَ لَلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلسُّحْتِ فِإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرُوكَ شَيْئاً وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مائده/۴۲) به دست آورد. خداوند در این آیه به پیامبرش می‌فرماید: آنان به سخنان تو خوب گوش می‌سپارند تا بهانه و دست‌آویزی برای حق‌ستیزی و دروغ‌انگاشتن پیام خدا و پیامبرش بیابند و برآن‌اند که از زبان تو دروغ بسازند و پخش کنند. یکی از کارهای نفوذی‌ها، کسب همه‌گونه اطلاعات به شکل بسیار دقیق و کامل است تا بتوانند با تحلیل آن عناوین یا مطالبی را بیابند که برای شبهه‌افکنی و ایجاد تشویش در جامعه مفید باشد. آنان در صدد هستند تا نقص و تضاد و اختلافی را در پیام‌های رهبر جامعه یافته و آن را برجسته ساخته و با دروغ همراه سازند و علیه فرهنگ دینی مردم به کار گیرند. تحریف‌گری به ویژه تحریف معنوی با حذف ظاهر کلمه و جمله از مهم‌ترین راه‌هایی است که نفوذی‌ها از آن سود می‌برند. هدف نفوذی‌ها در این حوزه آن است که فرهنگ جامعه را متأثر ساخته و آن را به سمت و سویی که دوست دارند، هدایت کنند. تهاجم فرهنگی دشمن نیازمند بهره‌مندی و تحلیل دقیق از فضای فرهنگی و افکار و اندیشه‌های

رهبری و مسئولان جامعه و استفاده ناروا از آن برای تغییر فرهنگ است.

۴-۱- انواع نفوذ فرهنگی در قرآن

دشمن برای نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و مانند آن، از همه افراد و توان خود بهره می‌برد. بر اساس آموزه‌های قرآنی آنجا که از نظر آنان هدف وسیله را توجیه می‌کند، به بدترین روش‌ها تلاش می‌کنند تا مقاصد و اهداف خود را برآورده سازند. از جمله ساز و کارهای دشمن و نفوذی‌ها برای رسیدن به اهداف عبارت‌اند از:

۱- شبهه افکنی: نفوذی‌ها سعی می‌کنند تا انواع شبهات را در جامعه رواج دهند. آنان با رصد دقیق اطلاعات و اخبار و مواضع رهبری برآن هستند تا متشابهات را انتخاب کرده و زمینه را برای تحریف محکمت و تضعیف آن فراهم آورند. این‌گونه است که شبهه‌افکنی و بهره‌گیری از متشابهات کلامی به عنوان یک سازوکار در دستور کار آنان قرار می‌گیرد: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ (آل عمران/۷) «اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند.» گاه این شبهه افکنی نسبت به نوع عملکرد رهبری^۱ اتفاق می‌افتد.

۲- ایجاد اختلاف: مهم‌ترین شیوه دشمن، بهره‌گیری از ابزار تفرقه است. از همین رو خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خبر می‌دهد که دشمن با نفوذ در جرگه نظامیان و مجاهدان بر آن است تا اختلاف‌انگیزی کند و زمینه سستی در جبهه حق را برای سلطه دشمنان فراهم آورد. خداوند نتیجه اختلاف میان سطوح مختلف جامعه را از دست رفتن حکومت و حاکمیت اجتماعی و ایمانی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال/۴۶) «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.» خداوند از مسلمانان می‌خواهد در صورت بروز هرگونه عامل اختلافی چون شایعات درباره رهبری و مانند آن به رهبر مراجعه کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ

۱. مثلاً رهبری را به قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی (یونس/۷۸)، انحرافات جنسی خود یا خانواده (نور/۱۱۱-۱۹) و مانند آن‌ها متهم می‌کنند.

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ (نساء/ ۵۹)

۳- بهره‌گیری از نقاط ضعف: یکی از مهم‌ترین سازوکارهای نفوذ، بهره‌گیری از اطلاعات کامل برای رسیدن به مقاصد شوم است. از این رو نفوذی‌ها با اصطلاح «سماعون» شناخته می‌شوند که شنودکنندگان مطالب به قصد جاسوسی و ضرررسانی هستند. سامری به عنوان یک نفوذی با بهره‌گیری از اطلاعات و نقاط ضعف امت موسی دانست که آنان گرایش شدید به بت‌پرستی دارند و با آنکه خداوند همه معجزات بصیرت‌آفرین و بصیرت‌بخش را به آنان نشان داده بود، اما آنان حتی پس از معجزه شکاف دریا و نجات امت و غرق فرعونیان، از رهبرشان خواستند که بتی برای آنان فراهم آورد. از این رو سامری از این اطلاعات و زمینه‌های ضعف آنان سود جست و برای رسیدن به مقام رهبری و تغییر حکومت و حاکمیت تلاش کرد و گوساله زرین را به عنوان خداوند جایگزین خدای رب العالمین کرد: ﴿فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَهُ﴾ (طه/ ۸۸) «پس (سامری) برای آنها (از زیورهای آب‌شده) مجسمه گوساله‌ای که صدای گوساله داشت، بیرون آورد. آنگاه (او و همکیشانانش) گفتند: این خدای شما و خدای موسی است که (موسی) آن را فراموش نموده (و به سراغش به کوه طور رفته) یا آنکه سامری خدا را فراموش کرد و مردم را به گوساله‌پرستی واداشت.»

۴- بهره‌گیری از ابزارهای جنگ نرم: دشمن از همه ابزارهای تغییر فکر و فرهنگ و سبک زندگی استفاده می‌کند. از این رو بهره‌گیری از محافل نجوا و توطئه‌چینی با استفاده از مراکز مقدسی چون مسجد (نظیر مسجد ضرار)^۱ در دستور کار قرار می‌گیرد تا با استفاده از اطلاعات و اخبار درونی جامعه، شرایط و موقعیت‌ها تحلیل و بر اساس آن فعالیت انجام گیرد. جالب اینکه در این مراکز و محافل به نیروهای نفوذی آموزش داده می‌شود که چگونه برای رسیدن به مقاصد شوم خود از سادگی افراد یا افراد سست‌ایمان استفاده کنند و آنان را همراه خویش سازند. بخش اعظمی از شایعاتی که در جامعه منتشر می‌شود، به وسیله همین سست‌ایمان‌ها و افراد ساده‌لوح است که به عنوان

۱. ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْواً لِّبَنِّ حَارِبِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنَ قَبْلُ وَ لِيُخْلِفُوا فِيْنَ آرْذَانَا إِلَّا الْحُسَيْنِيَّ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (توبه/ ۱۰۷) «و (نیز از منافقان) کسانی هستند که مسجدی اتخاذ کردند برای زبان (مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و انتظار (آمدن) کسی که از پیش با خدا و فرستاده‌اش به محاربه برخاسته بود و قطعاً سوگند یاد می‌کنند که ما جز کار خیر قصدی نداشتیم و خدا گواهی می‌دهد که آن‌ها قطعاً دروغ‌گویند.»

طنز و جوک و لطیفه و مانند آن به پخش شایعات در جهت اهداف فرهنگی، نظامی و سیاسی دشمن اقدام می‌کنند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۱۱) «در حقیقت، کسانی که آن بهتان (داستان افک) را (در میان) آوردند، دسته‌ای از شما بودند. آن (تهمت) را شری برای خود تصور مکنید؛ بلکه برای شما در آن مصلحتی (بوده) است. برای هر مردی از آنان (که در این کار دست داشته) همان گناهی است که مرتکب شده است و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است، عذابی سخت خواهد داشت.» خداوند در آیاتی دیگر به یکی از ترفندهای دشمن که در محافل نجوا ساماندهی و طرح‌ریزی شده بود، اشاره می‌کند و پرده از جریان نفوذی این چنین برمی‌دارد: ﴿وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَيَّ شَيْطَانِيهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ﴾ (بقره/۱۴) «و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند، برخورد کنند، می‌گویند: ایمان آورده‌ایم و چون با شیطان‌های خود خلوت کنند، می‌گویند: در حقیقت ما با شما ایمیم. ما فقط آنان را ریشخند می‌کنیم.» و نیز می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاوِلُوا بِكُمْ رِيْبَكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۷۶) «و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند، برخورد کنند، می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند، می‌گویند: چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است، برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به استناد آن پیش‌پروندگان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟»

۵- تحریف‌گری: از آیه ۴۱ سوره مائده به دست می‌آید که تحریف در سخنان و آموزه‌های وحیانی قرآن و اسلام از جمله سازوکارهای نفوذی‌ها برای رسیدن به مقاصد خودشان است. البته دشمن بر آن است تا تحریف معنوی کند و مفهوم آن را جابجا کرده و مفهومی دیگر از سخن و آموزه‌ها به شنونده و مخاطب خود برساند. از این رو در آیه ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾ (مائده/۴۱) تحریف به عنوان یک سازوکار نفوذی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است.

ع- شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی: از دیگر ابزارها و سازوکارهای دشمن در جهت نفوذ، بهره‌گیری از شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی است که لرزه بر امت و امنیت روحی و روانی جامعه می‌افکند: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ (احزاب/۶۰) «اگر منافقان

و کسانی که در دل هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه (از کارشان) باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز (مدتی) اندک در همسایگی تو نپایند.»

۵- نفوذ فرهنگی در عهدین

در برابر تمام پیامبران، دشمنانی از شیاطین جن و انس وجود داشته است. یکی از اهداف نفوذ دشمن تلاش برای بی‌عقیده کردن و دست برداشتن از آیین است و از آنجا که باطل همواره نمودی کاذب و فریبنده دارد، روی حق را می‌پوشاند؛ همان‌گونه که کف روی آب را می‌گیرد و می‌پوشاند. نمونه‌هایی از نفوذ در میان یهودیان که در تورات نیز به آن اشاره شده، عبارت‌اند از:

۵-۱- نفوذ شیطان جهت فریب آدم و حوا

در تورات آمده است: «مار از همه حیواناتی که خداوند به وجود آورد، زیرک‌تر بود. روزی مار نزد زن آمده، به او گفت: آیا حقیقت دارد که خدا شما را از خوردن میوه تمام درختان باغ منع کرده است؟ زن در جواب گفت: ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم؛ به جز میوه درختی که در وسط باغ است. خدا امر فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی آن را لمس نکنیم و گرنه می‌میریم. مار گفت: مطمئن باش نخواهید مرد، بلکه خدا خوب می‌داند زمانی که از میوه آن درخت بخورید، چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا می‌شوید و می‌توانید خوب را از بد تشخیص دهید. ...» (سفر پیدایش، باب ۳: آیه ۳-۲۴) در این باب به نفوذ شیطان جهت فریب آدم و حوا به دلیل دشمنی شیطان و حسادت به جایگاه انسان پرداخته شد.

۵-۲- بیراهه رفتن قوم موسی

داستان مربوط به گوساله طلایی که در سفر خروج به آن پرداخته شده، یکی دیگر از موارد نفوذ است: «وقتی بازگشت موسی از کوه سینا به طول انجامید، مردم نزد هارون جمع شده، گفتند: برخیز و برای ما خدایی بساز تا ما را هدایت کند، چون نمی‌دانیم بر سر موسی که ما را از مصر بیرون آورد، چه آمده است. هارون گفت: گوشواره‌های طلا را که در گوش‌های زنان و دختران و پسران شماست، پیش من بیاورید. بنابراین، قوم گوشواره‌های طلای خود را به هارون دادند. هارون نیز گوشواره‌های طلا را گرفت و آنها را ذوب کرده در قالبی که ساخته بود، ریخت و مجسمه‌ای به شکل گوساله ساخت.

قوم اسرائیل وقتی گوساله را دیدند، فریاد برآوردند: ای بنی اسرائیل، این همان خدایی است که شما را از مصر بیرون آورد.^۱» (خروج، باب ۳۶: آیه ۲-۱۴) در اینجا به وضوح می‌توان دید که غفلت و نادانی مردم و پیروی از نفس منجر به بیراهه رفتن قوم موسی شد و ایمان ضعیف آنان سبب شد که در زمان غیبت پیامبرشان با سخنان واهی یک شخص به سادگی فریب خورده و خود را گرفتار مجازات الهی کنند.

۳-۵. ساختن بت

خداوند در جای جای تورات از یهودیان خواسته از بت پرستی دوری کنند: «شما در آن روز در کوه حوریب^۲ وقتی که خداوند از میان آتش با شما سخن می‌گفت، شکل و صورتی از او ندیدید. پس مواظب باشید مبادا با ساختن مجسمه‌ای از خدا خود را آلوده سازید؛ یعنی با ساختن بتی به هر شکل، چه به صورت مرد یا زن و چه به صورت حیوان یا پرنده، خزنده یا ماهی همچین وقتی به آسمان نگاه می‌کنید و خورشید و ماه و ستارگان را که خدا برای تمام قوم‌های روی زمین آفریده است می‌بینید، آن‌ها را پرستش نکنید. خداوند شما را از مصر، از آن کوره آتش، بیرون آورد تا قوم خاص او و میراث او باشید؛ چنان که امروز هستید، ولی به خاطر شما نسبت به من خشمناک گردید و به تأکید اعلام فرمود که من به آن سوی رود اردن، یعنی به سرزمین حاصل خیزی که به شما به میراث داده است، نخواهم رفت. من در اینجا در این سوی رودخانه خواهم مرد، ولی شما از رودخانه عبور خواهید کرد و آن زمین حاصل خیز را تصرف خواهید نمود. هوشیار باشید مبادا عهدی را که خداوند، خدایتان با شما بسته است، بشکنید. اگر دست به ساختن هرگونه بتی بزنید، آن عهد را می‌شکنید؛ چون خداوند، خدایتان این کار را به کلی منع کرده است. او آتشی سوزنده و خدایی غیور است.» (تثنیه، باب ۴: ۱۵-۲۴)

۱. علامه طبرسی در تفسیر آیه ۸۷ طه می‌گوید: «قوم موسی گفتند: ما به اختیار خودمان پیمانی را که با تو بسته بودیم، نشکستیم. یعنی اگر صاحب اختیار و مالک نفس خود بودیم، با آن مخالفت نمی‌کردیم، اما مجذوب فریبکاری‌های سامری شدیم. «حملنا» ما بارهای (سنگینی) از زیورهای قبطیان که از آن‌ها به عاریت گرفته بودیم، با خود حمل کردیم. پس آن‌ها را در میان آتشی افکندیم که سامری در میان گودال برافروخته بود و ما را امر کرد که زیورها را در میان آن بیفکنیم و این فعل «حُمَلْنَا» نیز قرائت شده (مشهور نیز همین است) یعنی بارهای سنگین آن‌ها بر ما حمل شده بود. (فَكَذَلِكِ أَلْقَى السَّامِرِيُّ)؛ سامری نیز چنین کرد. یعنی به آن‌ها چنین وانمود کرد که آنچه از زیورها با خود دارد، می‌افکند، اما در واقع خاکی را که از رد پای اسب جبرئیل برداشته بود (در چاله) ریخت. «فَأَخْرَجَ لَهُمْ» پس برای آن‌ها از میان آن چاله پیکر گوساله‌ای را بیرون آورد.» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲، ۴۳۳).

۴-۵. پرستش بعل فغور

خداوند به موسی فرمود: «مدیانی‌ها^۱ را هلاک کنید؛ چون ایشان با حيله و نیرنگ‌هایشان شما را نابود می‌کنند. آن‌ها شما را به پرستش بعل فغور^۲ می‌کشاند و گمراه می‌نمایند؛ چنان‌که واقعه مرگ کزبی^۳ این را ثابت می‌کند.» (اعداد، باب ۲۵: آیه ۱۶-۱۸) این پیغام خداوند بعد از جریان نفوذ دختران موآب^۴ در مردان اسرائیلی صادر شد: «هنگامی که بنی‌اسرائیل در شطیپیم^۵ اردو زده بودند، مردانشان با دختران قوم موآب زنا کردند. این دختران، آن‌ها را دعوت می‌کردند تا در مراسم قربانی بت‌هایشان شرکت کنند. مردان اسرائیلی گوشت قربانی‌ها را می‌خوردند و بت‌ها را پرستش می‌کردند. چندی نگذشت که تمامی اسرائیل به پرستش بعل فغور که خدای موآب بود، روی آوردند. از این جهت، خشم خداوند به شدت بر قوم خود برافروخته شد.» (اعداد، باب ۲۹: آیه ۲-۱۵)

۵-۵. وسوسه‌های شیطان در عهد جدید

در عهد جدید نیز به مواردی از نفوذ اشاره شده است: «آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان برد تا در آنجا شیطان، او را وسوسه و آزمایش کند. عیسی در آن زمان برای مدت چهل شبانه‌روز روزه گرفت. پس در آخر بسیار گرسنه شد. در این حال شیطان سراغ او آمد و او را وسوسه کرد و گفت: اگر این سنگ‌ها را تبدیل به نان کنی، ثابت خواهی کرد که فرزند خدا هستی. اما عیسی به او گفت: نه، من چنین نخواهم کرد؛ زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید: نان نمی‌تواند روح انسان را سیر کند، بلکه فقط کلام خداست که می‌تواند نیاز درونی او را برآورده سازد. سپس شیطان او را به شهر اورشلیم برد و بر روی بام خانه خدا قرار داد و به او گفت: خود را از اینجا (به پایین) بینداز و ثابت کن که فرزند خدا هستی؛ چون کتاب آسمانی می‌فرماید: خدا فرشتگان خود را خواهد فرستاد تا تو را

۱. مدیان نام یکی از فرزندان ابراهیم خلیل از همسری به نام قطوره می‌باشد و نیز اسم سرزمینی است که نوادگان و نسل وی (مدیانیان) در آن ساکن شدند (هاکس، ۱۳۸۳: ۷۸۸-۹۴۴). (برای مطالعه بیشتر رک: تاریخ یعقوبی، ۱۳۸۹: ۱، ۳۴؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۲، ۸۶)

۲. نام خدایی است که جوامع باستانی بسیاری، سرزمین میان‌رودان، آن را می‌پرستیدند؛ به ویژه کنعانیان که او را خدای باروری و حاصل‌خیزی و از مهم‌ترین خدایان پرستش‌گاه می‌دانستند (اعداد، باب ۲۵: آیه ۱-۴؛ مزمور، باب ۱۰۶: آیه ۱۹-۴۳).

۳. دختر صور از خاندان بزرگ مدیان که جزء ۱۵ زن بزرگ آن زمان بود (اعداد، باب ۲۵: آیه ۱۶-۱۷).

۴. ناحیه‌ای تاریخی که در شرق دریای مدیترانه و در جنوب غربی اردن امروزی قرار گرفته است. بر اساس عهد عتیق ساکنان آن از نسل لوط بودند (اعداد، باب ۲۵: آیه ۱-۴).

۵. آخرین منزل بنی‌اسرائیل در دشت است، قبل از آنکه وارد سرزمین کنعان شوند (اعداد، باب ۲۵: آیه ۱-۴).

از خطر حفظ کنند. آن‌ها نخواهند گذارد که حتی پایت به سنگ بخورد. عیسی جواب داد: بلی، ولی همان کتاب نیز می‌فرماید: که خداوند را بی‌جهت آزمایش مکن. سپس شیطان او را به قله کوه بسیار بلندی برد و تمام ممالک جهان و شکوه و جلال آن‌ها را به او نشان داد و گفت: اگر زانو بزنی و مرا سجده کنی، همه این‌ها را به تو می‌بخشم. عیسی به او گفت: دور شو ای شیطان! کتاب مقدس می‌فرماید: فقط خدا را پرست و تنها از او اطاعت کن. آنگاه شیطان دور شد و فرشتگان آمدند و عیسی را خدمت کردند.» (متی، باب ۴: ۱-۱۱)

۵-۶. ایجاد قوانین غیردینی و غیراخلاقی

علاوه بر شیطان به نفوذهای دیگری در عهد جدید اشاره شده که با ایجاد قوانین غیردینی و اخلاقی سعی در به انحراف کشاندن آدمی و خارج کردن او از مسیر الهی داشتند. در یکی از نامه‌های پولس چنین آمده است: «اما روح القدس صریحاً می‌فرماید که در زمان‌های آخر، بعضی در کلیسا از پیروی مسیح رویگردان شده، به دنبال معلمانی خواهند رفت که از شیطان الهام می‌گیرند. این معلم‌نماها با بی‌پروایی دروغ خواهند گفت و آنقدر آن‌ها را تکرار خواهند کرد که دیگر وجدانشان آن‌ها را معذب نخواهد ساخت؛ به عنوان مثال خواهند گفت که ازدواج کردن و گوشت خوردن کار اشتباهی است، در حالی که می‌دانیم خدا این چیزها را عنایت فرموده تا ایمان‌دارانی که پیرو حقیقت‌اند، با شکرگزاری از آن‌ها بهره‌مند شوند. هر چه که خدا آفریده، خوب است و باید با شادی از آن‌ها استفاده کنیم؛ البته باید برای آن‌ها از خدا شکرگزاری نمود و طلب برکت کرد؛ زیرا خوراک با دعا و کلام خدا پاک می‌شود.» (تیموتائوس اول، باب ۴: آیه ۱-۱۰)

۵-۷. نفوذ گناه در انسان

در یکی دیگر از نامه‌های پولس به اثر نفوذ گناه در انسان‌ها اشاره کرده که سبب از کار افتادن عقل می‌شود: «... عده‌ای ممکن است این تعلیمات را نپذیرند، اما اینها تعلیم درست و کامل خداوند ما عیسی مسیح بوده و اصول زندگی خداپسندانه می‌باشند. پس هر که به گونه‌ای دیگر تعلیم دهد، در غرور و نادانی گرفتار است. چنین شخصی با مفهوم سخنان مسیح بازی می‌کند و بحث‌هایی را پیش می‌کشد که نتیجه‌اش حسادت، خشم، ناسزا، توهین و بدگمانی است. کسانی که این بحث‌ها را به وجود می‌آورند، عقلشان در اثر گناه از کار افتاده و سخنانشان از حقیقت به دور است. دین برای آنان

وسیله‌ای است برای ثروتمند شدن و بس. از این گونه اشخاص دوری کن. اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خداپسندانه خود، به آنچه دارد، قانع و خرسند است. ما چیزی با خود به این دنیا نیاورده‌ایم و چیزی نیز نخواهیم برد. پس اگر خوراک و پوشاک کافی داریم، باید راضی باشیم؛ زیرا آنانی که به دنبال ثروت‌اندوزی می‌دوند، دیر یا زود دست به کارهای نادرست می‌زنند. این کارها به خود ایشان صدمه زده، فکرشان را فاسد می‌کند و سرانجام ایشان را راهی جهنم خواهد ساخت. عشق به ثروت، نخستین قدم به سوی سایر گناهان است. بعضی حتی برای پول، از خدا روگردان شده و خود را گرفتار انواع دردها کرده‌اند.» (تیموتائوس اول، باب ۶: آیه ۳-۱۰) در کتاب اعمال رسولان به نوعی نفوذ اشاره شده که از نوع نفوذ مثبت است و توجه به نفوذ عیسی مسیح در دل و جان حواریون خاصش مثل پطرس و یوحنا دارد: «ایشان هنوز مشغول گفتگو با مردم بودند که ناگهان کاهنان اعظم با سرنگهبان خانه خدا و چند نفر از فرقه صدوقی‌ها بر سرشان تاختند. ایشان از اینکه پطرس و یوحنا درباره زنده شدن عیسی با مردم سخن می‌گفتند، بسیار مضطرب و پریشان شده بودند. پس آنان را گرفتند و تا روز بعد زندانی کردند. روز بعد، شورای عالی یهود در اورشلیم جلسه داشتند. حنا کاهن اعظم با قیافا، اسکندر و سایر بستگانش نیز حضور داشتند. آنگاه پطرس و یوحنا را آوردند و از ایشان پرسیدند: این کار را با چه قدرت و با اجازه چه کسی انجام داده‌اید؟ پطرس که پر از روح القدس بود، به ایشان گفت: ای سران و بزرگان قوم اسرائیل، اگر منظورتان این کار خیر است که در حق این شخص لنگ کرده‌ایم و می‌پرسید که چگونه شفا پیدا کرده است، اجازه دهید صریحاً به همه بگوییم که این معجزه را در نام عیسی مسیح ناصری و با قدرت او کرده‌ایم؛ یعنی همان کسی که شما بر صلیب کشتید، ولی خدا او را زنده کرد. بلی با قدرت اوست که این مرد الان صحیح و سالم اینجا ایستاده است. وقتی اعضای شورا جرأت و بی‌باکی پطرس و یوحنا را دیدند، مات و مبهوت ماندند. خصوصاً که می‌دیدند اشخاص بی‌سواد و معمولی هستند و پی بردند که چون با عیسی بوده‌اند، تا این حد دگرگون شده‌اند.» (اعمال رسولان، باب ۴: آیه ۱-۲۱)

نتیجه گیری

این است که ادیان الهی نسبت به نفوذ فرهنگی بسیار حساس هستند و رهنمودهایی برای در امان ماندن از آن مطرح می‌کنند. آدمی اگر بخواهد در مقابل دشمن نفوذناپذیر باشد، باید صلاحیت‌هایی را در خود تقویت کند تا به وسیله این صلاحیت‌ها از انحراف در امان بماند. غفلت از یاد خدا، جهالت و بی‌خردی، تمایل به سبک زندگی غیردینی، دنیاگرایی و بی‌بصیرتی عناصر مقوم نفوذپذیری هستند. لذا تقویت خداآوری و کسب علم و بصیرت و پابرجا ماندن بر سبک زندگی اسلامی، انسان را از قرار گرفتن در آماج تیرهای نفوذ فرهنگی مصون می‌کند.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمدهادی فولادوند.
- ۲- آقابخشی، علی اکبر و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۶: فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ دوم.
- ۳- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۸۳: تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۴- ابن‌فارس، احمد، ۱۳۹۹: معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر.
- ۵- الوانی، مهدی، ۱۳۸۶: مدیریت عمومی، تهران: نی، چاپ ۳۱.
- ۶- پایگاه خبری تحلیلی برهان، گفتگو با دکتر عبدالحمید شیخی، کد خبر ۸۹۹۹.
- ۷- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: نفوذ، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳: لغت‌نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۹- صادق‌نیا، مهرباب، ۱۳۹۳: قرآن و کتاب مقدس، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۲: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷: جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- عهد جدید، ۲۰۰۹: ترجمه هزاره‌نو، تهران: انتشارات ایلام.
- ۱۳- عهد قدیم، ۱۸۵۶: ترجمه ولیم گلن، دارالسلطنه لندن.
- ۱۴- فراهیدی، خلیل بن احمد، بی‌تا: العین، بیروت: مکتبه الهلال.
- ۱۵- معین، محمد، ۱۳۷۱: فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- هاکس، جیمز، ۱۳۸۳: قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.
- ۱۷- یعقوبی، احمد، ۱۳۸۹: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸- پایگاه اطلاع‌رسانی khamenei.ir